

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۱۲/۲۲

اجتهاد صحابه؛ در مقابل نص فرمایش پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (۲)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله ما ديروز روایتی را خواندیم که امام باقر (علیه السلام) درباره افرادی که نماز را در حال تمام، قصر می‌خوانند و یا در جایی که باید افطار کنند روزه می‌گیرند؛ «الْعَصَاة» تعبیر کرده است و در ادامه می‌فرماید: آن‌ها «الْعَصَاة» هستند و ما فرزندان و نوه‌های آن‌ها را تا امروز می‌شناسیم.

«سَمَى رَسُولُ اللَّهِ قَوْمًا صَامُوا حِينَ أَفْطَرَ وَ قَصَرَ عَصَاةً وَ قَالَ هُمْ الْعَصَاةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ إِنَّا لَنَعْرِفُ أَبْنَاءَهُمْ وَ أَبْنَاءَ أَبْنَائِهِمْ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا»

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۴، ص ۱۲۸، ح ۶

عرض کردیم که این روایت در منابع اهل سنت هم آمده است و حضرت نسبت به این افراد فرمودند:

«إِنَّ بَغْضَ النَّاسِ قَدْ صَامَ فَقَالَ أَوْلِيكَ الْعَصَاةُ أَوْلِيكَ الْعَصَاةُ»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۱۱۱۴

یکی از دوستان گفتند که آقایان اهل سنت در رابطه با این روایت چه آوردند که رسول گرامی اسلام (صلی الله

علیه و آله و سلم) به صراحت در مورد صحابه عبارت «أَوْلِيكَ الْعَصَاةُ» را به کار می‌برند؟! چه توجیهی دارند!؟

این روایت نص صریح صحیح مسلم هست و عصیان کردن هم به معنای مرتکب گناه شدن و خلاف شرع کردن است و این هم مخالف «عدالت» است. عزیزان دقت کنند که در این زمینه سه نکته وجود دارد و عزیزان باید به این سه نکته دقت کنند؛

نکته اول این است که تعدادی از بزرگانشان به صراحت آورده‌اند که چون آن‌ها با دستور پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) مخالفت کردند، رسول گرامی اسلام در مورد آن‌ها عبارت «**أُولَئِكَ الْعُصَاةُ**» را به کار بردند.

این مسئله هیچ ارتباطی به روزه گرفتن یا روزه نگرفتن نداشته است، زیرا اهل سنت روزه گرفتن در سفر را هم جایز می‌دانند و معتقدند که هم می‌توان روزه گرفت و هم می‌توان روزه نگرفت!

جدایی از اهل بیت (علیهم السلام) کاری می‌کند که هم نماز را شکسته و هم تمام بخوانند. در مورد روزه هم همینطور. امام باقر (علیه السلام) خطاب به این افراد فرمودند:

« **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَلَّى أَرْبَعًا فِي السَّفَرِ فَأَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُ بَرِيءٌ،** »

پیغمبر فرمود من برائت می‌جویم به خدا از کسی که در سفر نماز را تمام می‌خواند.

هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام؛ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن؛ ج ۳، ص ۴۲۱؛ ح ۱۰۳

دسته دیگری از علمای اهل سنت توجیه کردند که «**أُولَئِكَ الْعُصَاةُ**» به خاطر این بود که تعدادی بودند که روزه برایشان ضرر داشته است. رسول گرامی اسلام فرمودند: به دلیل اینکه روزه برای شما ضرر دارد، شما روزه نگیرید و مخالفتی هم در کار نبود!!

حالا من نمی‌دانم مسئله ضرر داشتن به بدن و «**أُولَئِكَ الْعُصَاةُ**» به چه معناست. در این صورت رسول گرامی اسلام باید می‌فرمودند: به دلیل اینکه روزه برای شما ضرر دارد، روزه خود را افطار کنید یا روزه برای شما مضر است.

این ادعا پذیرفته نیست، زیرا اشاره به اینکه روزه برای شما ضرر دارد در این روایت وارد نشده است.

دسته دیگری از علمای اهل سنت در توجیه این روایت ادعا کرده‌اند که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایت دیگری فرموده است:

«لَيْسَ مِنَ الْبِرِّ الصِّيَامُ فِي السَّفَرِ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۵، ص ۴۳۴، ح ۲۳۷۳۰

این مثل آن راوی است که از قبيله طی بود ظاهراً که کلمه «ام» را «إل» به کار می‌برد و سؤال کرد:

«هل من امبر امصيام في امسفر»

و حضرت در جواب فرمودند:

«ليس من امبر امصيام في السفر»

آن‌ها این دلیل را آوردند و گفتند که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) عبارت: «لَيْسَ مِنَ الْبِرِّ الصِّيَامُ فِي السَّفَرِ» را به کار برده است و این نشانگر این است که «أُولَئِكَ الْعُصَاةُ» به معنای این است که روزه گرفتن برای شما ضرر دارد. حال ما نمی‌دانیم که از چه زمانی کلمه عصیان معادل ضرر داشتن به کار برده می‌شود!!

اضافه بر اینکه:

«ليس من امبر امصيام في السفر»

یا:

«لَيْسَ مِنَ الْبِرِّ الصَّيَامُ فِي السَّفَرِ»

مربوط به قضیه غزوه تبوک است، درحالی که «أُولَئِكَ الْعَصَاةُ» مربوط به قضیه فتح مکه است و اصلاً ارتباطی به هم ندارد. واقعاً آدم نمی‌داند جواب این افراد را چه بدهد.

اگر شترچران بیابان‌های ریاض این حرف را بزند انسان گلایه نمی‌کند و می‌داند که این افراد نمی‌فهمیدند، اما این افراد برای توجیه این کار به هر کاری دست می‌زنند تا به نوعی قضیه را توجیه کنند. حال نمی‌دانیم فردای قیامت چه جوابی دارند؟!

دسته دیگری هم آمدند مطلب زیبایی به کار بردند و گفتند: اصلاً قضیه «أُولَئِكَ الْعَصَاةُ» روایت دیگری دارد و قضیه آن این است که پیغمبر اکرم در سفر به ابوبکر و عمر فرمودند: بیایید غذا بخورید، اما آن‌ها گفتند که ما روزه هستیم. رسول خدا (به صحابه) فرمودند:

«أَرْجُلُوا لَصَاحِبِكُمْ، إِعْمَلُوا لَصَاحِبِكُمْ»

بروید برای دو همراهِتان ، برای آن دو کار کنید.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۱۱، ص ۴۷، ح ۵۴۹۱

این روایت قرینه این است که اصلاً «أُولَئِكَ الْعَصَاةُ» مصداق خاصی داشته است و این آقایان این قضایا را مخفی می‌کنند. وقتی که انسان این روایات را کنار هم قرار می‌دهد، بسیاری از حقایق روشن می‌شود.

عزیزان دقت کنند «ابن خزیمه» که متوفای ۳۱۱ هجری است و تقریباً معاصر «نسائی» و «ابن ماجه» و «ترمذی» است، می‌گوید:

«أن النبي إنما سماهم عصاة إذ أمرهم بالإفطار وصاموا ومن أمر بفعل وإن كان الفعل مباحاً فرضاً واجباً
فترك ما أمر به من المباح جاز أن يسمى عاصياً»

صحيح ابن خزيمة، اسم المؤلف: محمد بن إسحاق بن خزيمة أبو بكر السلمى النيسابورى، دار النشر:
المكتب الإسلامى - بيروت - ۱۳۹۰ - ۱۹۷۰، تحقيق: د. محمد مصطفى الأعظمى، ج ۳، ص ۲۵۶، باب

۹۷

می گوید اگرچه کار مباح هم باشد و کسی بخواهد مخالفت کند، آنجا این شخص عاصی است. حال این فعلی
که مخالفت کرده است مباح باشد، فرض باشد، واجب باشد، فرقی نمی‌کند. حال این مسئله هم روشن نیست
که چطور مخالفت امر مباح به عصیان تبدیل شده است و این مسئله هم نکته‌ای است.

پرسش:

پیغمبر اکرم که امر فرمودند حتماً یک حکم شرعی در آن بوده است.

پاسخ:

بله قرآن هم می‌فرماید:

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

و هرگز از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید آنچه می‌گوید به جز وحی‌ای که به وی می‌شود نمی‌باشد.

سوره نجم (۵۳): آیات ۳ و ۴

تا اینکه از عایشه نقل می‌کند که پیغمبر اکرم در بعضی از امور رخصت داده است:

«رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ فَرَغِبَ عَنْهُ رِجَالٌ»

اگر کلمه «رَغِبَ» با «عن» متعدی شود، به معنای اعراض است و اگر با «من» متعدی شود، به معنای تمایل داشتن است.

«فَقَالَ مَا بَالُ رِجَالٍ أَمْرُهُمْ بِالْأَمْرِ يَرْغَبُونَ عَنْهُ وَاللَّهِ إِنِّي لأَعْلَمُهُمْ بِاللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ وَأَشَدَّهُمْ لَهُ خَشِيَةً»

بعضی از این مردان را چه شده است. من به این افراد دستور می‌دهم و از دستور من سرپیچی می‌کنند. به خدا سوگند من اعلم این افراد به خدا هستم و بیشتر از همه از خدا می‌ترسم.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۶، ص ۱۸۱، ح ۲۵۵۲۱

بسیار عبارت زیبایی است. حرف رسول گرامی اسلام این است که من به این افراد دستور می‌دهم که روزه خود را افطار کنید، اما ادعا می‌کنند که ما می‌ترسیم اگر روزه خود را افطار کنیم گرفتار عذاب شویم. به عبارت دیگر این افراد کاسه داغ‌تر از آتش هستند.

همچنین «ابن حبان» متوفای ۳۵۴ هجری در کتاب «صحيح» خود از «ابو حاتم رازی» نقل می‌کند و می‌گوید:

«أُولَئِكَ الْعَصَاةُ إِنَّمَا أَطْلَقَ عَلَيْهِمْ هَذِهِ اللَّفْظَةَ بِتَرْكِهِمُ الْأَمْرَ الَّذِي أَمَرَهُمْ بِهِ وَهُوَ الْإِفْطَارُ لَا أَنَّهُمْ صَارُوا عُصَاةً بِصَوْمِهِمْ فِي الشَّفَرِ»

اولئك العصاة به معنای روزه در سفر نبوده است، بلکه به خاطر این بوده است که پیغمبر اکرم دستور داد شما افطار کنید، اما آن‌ها افطار نکردند.

صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، اسم المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي،

دار النشر: مؤسسة الرسالة – بيروت – ۱۴۱۴ – ۱۹۹۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، ج ۸، ص

۳۱۸، ح ۳۵۴۹

در اصل قضیه هیچ فرقی ندارد. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به این افراد فرمودند که افطار کنید، اما آن‌ها با رسول گرامی اسلام مخالفت کردند و به روزه خود ادامه دادند.

پرسش:

استاد اگر روزه باشند که گناه صغیره محسوب می‌شود، اما مخالفت با رسول گرامی اسلام گناه کبیره محسوب می‌شود. فعل کبیره هم با امر همخوانی ندارد، از این حیث به نفع ما می‌شود.

پاسخ:

مشاهده کنید که می‌گوید:

«بِتَرْكِهِمُ الْأَمْرَ الَّذِي أَمَرَهُمْ بِهِ وَهُوَ الْإِفْطَارُ»

پیغمبر اکرم به این افراد فرمودند که افطار کنید، اما این افراد مخالفت کردند. مخالفت کردن این افراد به معنای این است که به روزه خود ادامه دادند.

نتیجه متعلق امر پیغمبر اکرم و متعلق اراده صحابه یک چیز است و آن به معنای روزه گرفتن است. پیغمبر اکرم می‌فرماید: افطار کنید، اما این افراد اراده می‌کنند تا روزه خود را ادامه بدهند.

بنابراین به قول فرمایش شما این افراد با دستور پیغمبر اکرم مخالفت کردند، ولو اینکه روزه گرفتند مباح بوده است. تنها توجیه این مسئله این است که روزه گرفتن مباح بوده است و پیغمبر اکرم به جهت مباح بودن

«أُولَئِكَ الْعَصَاةُ» فرموده‌اند، بلکه به دلیل اینکه با دستور پیغمبر اکرم مخالفت کردند آن حضرت «أُولَئِكَ

الْعَصَاةُ» را به کار بردند.

همچنین «محمد بن اسماعیل صنعانی» می‌گوید:

«أولئك العصاة إنما هو لمخالفتهم لأمره بالإفطار وقد تعين عليهم»

سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل الصنعاني الأمير، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - ١٣٧٩، الطبعة: الرابعة، تحقيق: محمد عبد العزيز الخولي، ج

٢، ص ١٦١، باب كتاب الصيام

می گوید در اینجا امر، امر تعیینی بوده است و پیغمبر اکرم تعیین فرمودند: شما افطار کنید. «شوکانی» هم می گوید:

«إِنَّمَا نَسَبَهُمْ إِلَى الْعِضْيَانِ لِأَنَّهُ عَزَمَ عَلَيْهِمْ فَخَالَفُوا»

نیل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار شرح منتقى الأخبار، اسم المؤلف: محمد بن علي بن محمد

الشوكاني، دار النشر: دار الجيل - بيروت - ١٩٧٣، ج ٤، ص ٣٠٦، بَابُ الْفُطْرِ وَالصَّوْمِ فِي السَّفَرِ

می گوید که پیغمبر اکرم مردم را به این کار امر کرده بود، اما آنها مخالفت کردند. آقای «نووی» این مسئله را توجیه کرده است و می گوید:

«وهذا محمول على من تضرر بالصوم»

«نووی» ادعا می کند که ما «أُولَئِكَ الْعِصَاةُ» را به زمانی حمل می کنیم که روزه برایشان ضرر داشته باشد، که در

این صورت اشکالی ندارد. این دسته افرادی که با دستور پیغمبر اکرم مخالفت کردند و رسول گرامی اسلام در

مورد آنها «أُولَئِكَ الْعِصَاةُ» فرمودند، به این دلیل بود که روزه گرفتن برای این افراد ضرر داشته است!! کسانی

که روزه برایشان ضرر نداشته باشد و روزه بگیرند، «أُولَئِكَ الْعِصَاةُ» نیستند و «اولئك العدول» هستند!!

بعد می گوید:

«أو أنهم أمروا بالفطر أمرا جازما لمصلحة بيان جوازه فخالفوا الواجب»

آن‌ها دستور داشتند که حتماً افطار کنند برای مصلحتی که داشت ولی آنها با واجب مخالفت کردند.

«وعلى التقديرين لا يكون الصائم اليوم فى السفر عاصيا اذا لم يتضرر به»

در هر دو صورت اگر ضرر نداشته باشد قطعاً روزه در سفر موجب عصیان نخواهد شد.

جالب اینجاست که می‌گوید:

«ويؤيد التأويل الأول قوله فى الرواية الثانية إن الناس قد شق عليهم الصيام»

تأویل اول مورد تأیید است چرا که در روایت بعدی بیان شده است که روزه گرفتن برای مردم مشقت آور بوده است.

«كان رسول الله فى سفر فرأى رجلا قد اجتمع عليه الناس وقد ظلل عليه»

رسول الله در سفر بودند و مردم جمع شدند و برای مردی سایه‌بانی درست کردند.

«فقال ماله»

پیغمبر اکرم فرمودند: چه شده است؟!

«قالوا رجل صائم»

مردم گفتند: این شخص روزه گرفته است و به جهت اینکه هوا گرم بوده او بیحال شده است.

«فقال رسول الله ليس من البر أن تصوموا فى السفر»

رسول الله فرمودند: خوب نیست که انسان در سفر روزه بگیرد.

«معناه اذا شق عليكم وخفتم الضرر»

معنایش این است که در مشقت و خوف ضرر، باید روزه را بخورید.

«وسياق الحديث يقتضى هذا التأويل وهذه الرواية مبينة للروايات المطلقة ليس من ألب الصيام فى

السفر ومعنى الجميع فيمن تضرر بالصوم»

صحيح مسلم بشرح النووي، اسم المؤلف: أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري النووي، دار النشر: دار

إحياء التراث العربى - بيروت - ١٣٩٢، الطبعة: الطبعة الثانية، ج ٧، ص ٢٣٢، باب جواز الصوم والفطر

فى شهر رمضان للمسافر فى غير معصية

پرسش:

آيا اهل سنت روايتى هم دارند كه پيغمبر اكرم در مسافرت روزه گرفته باشند؟!

پاسخ:

خير؛ من چنين روايتى را نديدم. البته رواياتى جعلى در اين باره بيان شده است. در روايتى وارد شده است كه از

پيغمبر اكرم سؤال كردند: ما مى توانيم در سفر روزه بگيريم؟! پيغمبر اكرم فرمودند: بله مى توانيد. سپس از

ايشان سؤال كردند: مى توانيم روزه خود را افطار كنيم؟! پيغمبر اكرم فرمودند: بله مى توانيد؛ براى شما رخصتى

است.

جواب ما به آقاى «نوى» اين است:

«انّ قول النبى ليس من البر الصيام فى السفر كان فى غزوة تبوك»

اين مسئله و روايت پيغمبر، در غزوه تبوك بوده است.

«و فيها مشقات و مشاكل»

غزوه تبوک از سخت‌ترین و پرمشقت‌ترین غزوه‌ها بوده است.

مردم در این غزوه هر چهار نفر یک خرما را در دهان خود می‌گذاشتند و آب و شیرینی خرما را می‌مکیدند تا بتوانند شب را به روز و روز را به شب برسانند. غزوه تبوک در بدترین و گرم‌ترین زمان سال بوده است و وضع مسلمانان در بدترین موقعیت بوده است.

«و أما قوله «أولئك العُصاة» صدر في سنة الثامنة في فتح مكة»

اینکه پیغمبر اکرم فرمودند این افراد عصیان کردند، در سال هشتم و سال فتح مکه صورت گرفته است.

همان‌طور که «امام شافعی» متوفای ۲۰۴ هجری از «جابر بن عبدالله انصاری» نقل می‌کند و می‌گوید:

«كنا مع رسول الله زمان غزوة تبوك ورسول الله يسير بعد أن أضحى إذا هو بجماعة في ظل شجرة فقال

من هذه الجماعة قالوا رجل صائم أجهده الصوم أو كلمة نحوها»

این روایت کاملاً واضح و روشن است؛ در این روایت وارد شده است که مردم در جایی جمع شدند و هنگامی که رسول گرامی اسلام علت را جویا شد، مردم گفتند: این شخص روزه گرفته و بی‌حال شده است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در این هنگام فرمودند:

«ليس من ألبز أن تصوموا في السفر»

اختلاف الحدیث، اسم المؤلف: محمد بن إدريس أبو عبدالله الشافعی، دار النشر: مؤسسة الكتب الثقافية

- بیروت - ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵، الطبعة: الأولى، تحقیق: عامر أحمد حیدر، ج ۱، ص ۴۹۲، باب الفطر والصوم

فی السفر

آقای «نووی»! این مسئله چه ارتباطی به قضیه دارد؟! شما به عنوان فقیه الأمة هستید؛ تا چه اندازه ناجوانمردانه،

نادرست و ناشایست توجیه می‌کنید؟!

قضیه‌ای که مربوط به جنگ تبوک و سال آخر عمر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است را به دو سال قبل بر می‌گردانید.

حال اگر این مسئله برعکس بود، باز هم جا داشت؛ اما «أُولَئِكَ الْعُصَاةُ» با «لیس من البر أن تصوموا فی السفر» دو سال با هم فاصله دارد. «أُولَئِكَ الْعُصَاةُ» مقدم بر «لیس من البر أن تصوموا فی السفر» است. اگر قبلاً «لیس من البر» و بعد از آن «أُولَئِكَ الْعُصَاةُ» بود، شما می‌توانید این مسئله را به آن حمل کنید.

بر فرض مثال اگر مقیدی ده سال قبل بوده است و مطلق دیگری ده سال بعد آمده است، در اینجا همان تأخیر از وقت بیان حاجت لازم می‌آید و از نظر انسان‌های حکیم ذکر این مسئله قبیح است. و رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) احکم الحکماء هستند.

این روایت همچنین در کتاب «معرفة السنن و الآثار» اثر «احمد بن حسین بیهقی» وارد شده است. شاید کسی بگوید که ماجرای که در غزوه تبوک بوده است صحیح نیست، اما آقایان بر صحت این روایت اتفاق نظر دارند. همچنین آقای «ابن حجر عسقلانی» طبق این روایت فتوا داده است و می‌گوید:

«كنا مع النبي صلى الله عليه وسلم زَمَانَ غَزْوَةِ تَبُوكَ فَمَرَّ بِرَجُلٍ فِي ظِلِّ شَجَرَةٍ يَرشُ الْمَاءَ عَلَيْهِ فَقَالَ مَا بَالُ هَذَا فَقَالُوا ضَائِمٌ فَقَالَ لَيْسَ مِنَ الْبِرِّ الصِّيَامُ فِي السَّفَرِ»

و در نهایت می‌گوید:

«متفق علی اصله»

این روایت کاملاً متفق علیه است.

تلخیص الحبیر فی احادیث الرافعی الکبیر، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی، دار النشر: - المدينة المنورة - ۱۳۸۴ - ۱۹۶۴، تحقیق: السيد عبدالله هاشم الیمانی المدنی، ج ۲، ص ۲۰۴، ح ۹۱۶

طبق قول آقای «عسقلانی» این روایت متفقٌ علیه است و هیچ شکى در صحت روایت نیست. همچنين آقای «مبارکفوری» می گوید:

«أولئك العصاة محمول على من تضرر بالصوم وشق عليه»

تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، اسم المؤلف: محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم المبارکفوری أبو العلا، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۳، ص ۳۲۶، باب ما جاء فی کراهیة الصوم فی السفر همچنين آقای «عینی» می گوید:

«فإن قلت: كيف صام بعض الصحابة؟ بل أفضلهم وهو أبو بكر وعمر رضي الله تعالى عنهما»

چطور می گویند: بعضی از صحابه روزه داشتند؟ در حالی که افضل صحابه از جمله ابوبکر و عمر بودند.

«على ما في حديث أبي هريرة الذي رواه النسائي من رواية الأوزاعي عن يحيى عن أبي سلمة عنه»

سپس می گوید:

قال: (أتى النبي، بطعام بمر الظهران فقال لأبي بكر وعمر: أدنيا فكلا»

رسول گرامی اسلام نزدیک ظهران به ابوبکر و عمر فرمودند: بیاید و افطار کنید.

«أولئك العُصاة» هم نزدیک ظهران است و در حقیقت چهار میلی مدینه و دو میل مانده به مکه است و این روایت هم متعلق به آن منطقه است.

«فقال: إنا صائمان»

آن‌ها گفتند: ما روزه هستیم.

«قال: أرجلوا لصاحبيكم، إعملوا لصاحبيكم»

«انتهى. بعد أمره لهم بالإفطار. قلت: ليس في حديث جابر أنه أمرهم بالإفطار»

جالب اینجاست که در نهایت می‌گوید:

«فإنهما فهما أن فطره كان ترخصا ورفقا بهم»

آقای ابوبکر و عمر احساس کردند که وقتی پیغمبر اکرم می‌گوید روزه بگیرید، در حقیقت رخصتی برای آن‌ها است.

«وظنا أن بهما قوة على الصيام»

آن‌ها احساس کردند می‌توانند روزه بگیرند.

ابوبکر و عمر روی این جهت با دستور پیغمبر اکرم مخالفت کردند. پیغمبر اکرم فرمودند به چون شما می‌توانید اشکالی ندارد، بلکه فرمودند:

«أرجلوا لصاحبيكم، إعملوا لصاحبيكم»

بروید برای همدیگر عمل کنید و از همدیگر هم اجر بگیرید.

معنای این فرمایش رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) این است که عمل شما برای خدا نیست.

«فأراد النبي، والله أعلم حسم ذلك لئلا يقتدى بهما أحد»

خداوند آگاه است که پیغمبر اکرم به ابوبکر و عمر دستور دادند که روزه خود را افطار کنند، به دلیل اینکه بعدها تعدادی از مسلمانان به ابوبکر و عمر اقتدا نکنند و در سفر روزه بگیرند.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۱۱، ص ۴۷، ح ۵۴۹۱

در اینجا قضیه خیلی روشن است و دارد منجر به آبروریزی می‌شود. ای کاش «نووی» این عبارت را بیان نمی‌کرد!! البته بنده مشابه این روایت را از کتاب «مسند احمد بن حنبل» هم آوردم؛

«أُتِيَ النَّبِيَّ بِطَعَامٍ بِمَرِّ الظَّهْرَانِ فَقَالَ لِأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ أَدْنِيَا فَكَلَا قَالَا أَنَا صَائِمَانِ قَالَ ازْخُلُوا لِصَاحِبَيْكُمْ اذْخُلُوا لِصَاحِبَيْكُمْ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ۲، ص ۳۳۶، ح ۸۴۱۷

این روایت همچنین در کتاب «سنن نسائی» جلد ۴ صفحه ۱۷۸ و همچنین «سنن بیهقی» جلد ۴ صفحه ۲۴۶ وارد شده است. جالب این است که «ألبانی» هم می‌گوید که روایت صحیح است. من باور نمی‌کردم که این روایت صحیح باشد و یقین داشتم که این روایت را به هر قیمتی که شده تضعیف می‌کنند.

اگر چنین باشد خیلی کار خراب می‌شود، زیرا از آن طرف «أُولَئِكَ الْعَصَاةُ» و از این طرف اسم ابوبکر و عمر وارد شده است. همچنین وارد شده است که ماجرا در میان مکه و مدینه اتفاق افتاده است. کاملاً واضح و روشن است که فتح مکه در ماه رمضان اتفاق افتاده بود که مسلمانان حرکت کردند، نه در ماه‌های دیگر!! در این روایت وارد شده است که پیغمبر اکرم به ابوبکر و عمر فرمودند:

«أَدْنِيَا فَكَلَا قَالَا أَنَا صَائِمَانِ قَالَ ازْخُلُوا لِصَاحِبَيْكُمْ اذْخُلُوا لِصَاحِبَيْكُمْ»

آقای «ألبانی» در کتاب «سلسلة الأحادیث الصحيحة» حدیث شماره ۸۵ هم این روایت را آوردند. همچنین در کتاب «صحيح و ضعيف سنن نسائی» جلد ۵ صفحه ۴۰۸ حدیث شماره ۲۲۶۴ هم این روایت وارد شده است.

این آقایان خواستند این روایت را توجیه کنند، اما عاقبت کار به جایی رسید که «نووی» آنچه را که نباید اظهار می‌کرد اظهار کرد. از طرف دیگر آقای «ألبانی» در قرن چهاردهم یا قرن پانزدهم می‌گوید: این روایت صحیح است و از نظر سند هم هیچ مشکلی ندارد.

بنابراین این قضیه طوری است که هرچه بیشتر آن را مورد بررسی قرار بدهیم، اشکالات آن بیشتر برملا می‌شود.

پرسش:

ظاهراً نظر صحابه این بوده که پیغمبر اکرم از عصمت برخوردار نیست و اگر حرفی زده است و خدا هم آن را فرموده باشد ما به آن عمل می‌کنیم؛ در غیر این صورت عمل نمی‌کنیم. در میان این افراد این تفکر وجود داشته است و این‌طور هم به نظر می‌رسد. کما اینکه آخرین جمله‌ای که گفتند «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» هم همین معنا را دارد.

پاسخ:

«حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» و همچنین در «حجة الوداع» که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به این افراد دستور داد از احرام بیرون بیایید، اما آن‌ها بیرون نیامدند و به پیغمبر اکرم جسارت کردند. آن‌ها بین خود می‌گفتند: پیغمبر اکرم به ما دستور داده است؛

«فَتَأْتِي عَرَفَةَ تَقَطَّرُ مَذَاكِرُنَا الْمَنِي»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۲، ص ۸۸۳، ح ۱۲۱۶

آن‌ها سپس با دست خود هم اشاره می‌کردند و به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جسارت می‌کردند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از این ماجرا به منزل عایشه آمدند و او به ایشان عرض کرد:

«من أغضبك أغضبه الله»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار

الكتاب العربي - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۳۳، ح باب فسخ الحج إلى العمرة

در روایتی وارد شده است که خود «عمر بن خطاب» بود از احرام بیرون نیامد و پیغمبر اکرم به ایشان فرمودند: تو هرگز به این سنت من عمل نخواهی کرد!! مشاهده کنید که بعضی روایات در لابه‌لای روایات دیگر وارد شده است که قضیه را روشن می‌کند.

متأسفانه بسیاری از احادیث به دست ما نرسیده است؛ زیرا یا به آتش کشیدند و نگذاشتند به دست ما برسد و یا زمانی که جمع آوری می‌کردند آن‌ها را جمع آوری نکرده‌اند.

«بخاری» می‌گوید که من صد هزار حدیث صحیح حفظ هستم؛ درحالی‌که از میان این صد هزار روایت تنها ۲۷۰۰ روایت را نقل کرده است. ۹۷۳۰۰ روایت کجاست که قضیه را روشن کند!؟

بنابراین مشاهده می‌کنید اولین کسی که از متعة الحج نهی می‌کند، شخص خلیفه دوم است. وقتی این روایات کنار هم چیده می‌شود معنا پیدا می‌کند؛ همچنان‌که وقتی آیات قرآن کریم کنار هم چیده می‌شود معنا پیدا می‌کند.

شاید دلیل اینکه بنی امیه احادیث را سوزاندند و نگذاشتند به دست ما برسد، به جهت این بود که در لابلای احادیث؛ صحابه این مطالب را نوشته بودند و این قضایا بوده است.

اگر این قضایا منتشر می‌شد، به هیچ وجه برای صحابه‌ای که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به آنها می‌فرمایند: «أُولَئِكَ الْعُصَاةُ»، سازگار نیست که در رأس قدرت قرار بگیرد.

چگونه امکان دارد که پیغمبر اکرم در حق شخصی «أُولَئِكَ الْعُصَاةُ» بفرمایند و همین شخص در رأس قدرت و خلیفه رسول گرامی اسلام باشد. این مسئله خیلی بعید است!!

بنابراین این احادیث به جای اینکه مسئله را حل کنند، تنها صورت مسئله را پاک می‌کنند. خلاصه این مطالب هم نکته‌ای بود که باید آن را بیان می‌کردیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته